

تهدیدهای نظامی، امنیتی اسرائیل علیه ج.ا.ایران

مرتضی شمس*

مقدمه

بدون تردید برای هر کشور و نظام سیاسی شناخت دقیق و واقع بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی آن را تهدید می کنند از اولویت اساسی برخوردار است. زیرا این دسته از تهدیدات که به دلیل گستردگی و عمق پیامدهای آنها به "تهدیدات استراتژیک" موسوم اند به راحتی می توانند بر سر راه حرکت عمومی یک جامعه به سوی پیشرفت و توسعه موانع جدی ایجاد کرده، یا اساساً موجودیت و هویت یک کشور را در خطر اندازد.

از آن جا که به دست آوردن آمادگی لازم برای مقابله با هر تهدیدی به طور طبیعی متضمن صرف هزینه های قابل توجه است، تلقی هر امر موهوم به مثابه تهدید استراتژیک، صرف نابه جای منابع و در نتیجه صدمه پذیری جدی در مقابل تهدیداتی را که

* آقای مرتضی شمس کارشناس ارشد علوم سیاسی و عضو گروه پژوهشی امنیت ملی دانشگاه امام حسین (ع) می باشد.

شناخت دقیق و واقع بینانه عواملی که موجودیت، امنیت و منافع حیاتی هر کشوری را مورد تهدید قرار می دهند از اولویت اساسی برخوردار است. این دسته از تهدیدات که به دلیل گستردگی و عمق پیامدهای آنها به تهدیدات استراتژیک معروفند به راحتی می توانند بر سر راه حرکت عمومی یک جامعه به سوی پیشرفت و توسعه موانع جدی ایجاد کنند یا اساساً موجودیت و هویت یک کشور را در معرض تهدید قرار دهند.

مقاله حاضر به ماهیت، ابعاد و پیامدهای تهدیدات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی می پردازد. اسرائیل به دلیل داشتن منابع مالی فراوان و حمایت های سیاسی ابرقدرتها و همچنین برخورداری از سلاح هسته ای و تکنولوژی پیشرفته، به منزله یک تهدید برای کشورهای منطقه و به خصوص ایران مطرح می باشد. نویسنده مقاله در پایان به این نکته اشاره می کند که: برای جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت توسعه طلبانه و ضداسلامی رژیم صهیونیستی چاره ای جز دستیابی به ابزار مقابله به مثل که موجبات ایجاد تعادل در موازنه منطقه ای قدرت را فراهم می آورد، وجود ندارد.

می‌توان با هزینه اندک و آمادگی مناسب به دفع و رفع آنها پرداخت، به دنبال دارد. نتیجه آن‌که برای کسب آمادگی متناسب و متعادل جهت مقابله با هر تهدیدی نخست باید ماهیت، ابعاد و پیامدهای آن با وضوح و اتقان هر چه بیشتر شناسایی گردد تا از هرزروی منابع ارزشمند خود از یک سو و غافلگیری و صدمه‌پذیری قابل پیشگیری خویش از سوی دیگر جلوگیری به عمل آوریم.

یکی از تهدیداتی که منافع و امنیت کشور ما - و به طور کلی جهان اسلام - را در معرض خطر قرار داده است، تهدید رژیم صهیونیستی می‌باشد. این رژیم با برخوردار بودن از پیوندهای بسیار عمیق با شبکه‌های مالی در کشورهای توسعه‌یافته و نفوذ بر نظامهای سیاسی این کشورها مزاحمت‌های جدی برای نظام نوپای اسلامی فراهم می‌آورد و از سوی دیگر با در اختیار داشتن سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه از نوع هسته‌ای آن و همچنین ابزار انتقال آنها (هوآپیماهای دورپرواز و موشک‌های بالستیک) به یکی از مهمترین منابع تهدید اقتصادی و نظامی و به تبع آنها تهدیدهای اجتماعی علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

الف) ماهیت تهدید

شاید در نگاه نخست و با توجه به وجود مرز مشترک بین دولت صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه منتفی بودن تعارضات ناشی از آن همچون ادعاهای سرزمینی و اختلافات مرزی، نزاع بر سر تقسیم منابع آب و انرژی، آرایش نظامی نیروهای متعارف طرفین و ... تهدید اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران جدی تلقی نگردد، اما باید توجه داشت که تهدیدات ناشی از ژئوپولیتیک کشور فقط بخشی از تهدیدهای موجود علیه نظام اسلامی را تشکیل می‌دهند و تهدیدهای جدی‌تر و بنیانی‌تر معطوف به مبانی ارزشی و اصول انقلابی ایران اسلامی می‌باشند. بعلاوه برخلاف تهدیدهای معطوف به ژئوپولیتیک که معمولاً خطر از دست دادن بخشی از خاک، منابع و یا منافع مرسوم را در پی دارد تهدید معطوف به مبانی ارزشی به هدم و یا حداقل استحاله نظام سیاسی موجود می‌انديشد.

یکی از قدرتهایی که با انقلاب اسلامی تعارض جدی و ماهوی داشته صهیونیسم سیاسی و نماینده آن رژیم اشغالگر قدس می‌باشد. انقلاب اسلامی که مسلمانان جهان

را به بازگشت به اسلام فرا می‌خواند با توجه به آیه شریفه «لن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» و سایر اصول عزت‌مدارانه اسلامی نمی‌تواند نسبت به مهمترین مسأله جهان اسلام که همان اشغال سرزمین فلسطین به دست نیروهای بیگانه است، بی‌اعتنا باشد. اشغال قدس شریف نخستین قبله مسلمانان، آوارگی صدها هزار تن از مسلمانان فلسطین و رجزخوانیهای پیاپی سردمداران رژیم صهیونیستی علیه جهان اسلام و تهدید سایر سرزمینهای اسلامی (از نیل تا فرات) از چنان اهمیتی برخوردار بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی حکومت اسلامی بلافاصله مبارزه با اسرائیل را در سرلوحه اهداف سیاست خارجی خویش قرار داد.

مخالفت جمهوری اسلامی ایران با اسرائیل پیامدهای بسیار جدی برای رژیم صهیونیستی در برداشت. نخست این‌که با سرنگونی رژیم شاه در ایران و روی کار آمدن دولت اسلامی اسرائیل تنها متحد خود در منطقه را از دست داد. در اهمیت ایران برای رژیم صهیونیستی همین بس که این رژیم ۷۵٪ از نیازهای نفتی خود را از ایران تأمین می‌کرد (۱) و با توجه به خودداری کشورهای عرب تولیدکننده نفت از فروش آن به اسرائیل این رژیم وابستگی استراتژیک به یک منبع مطمئن تأمین انرژی داشت و از همین رو حاضر شده بود درازای دریافت نفت از ایران پروژه‌های مهم صنعتی، کشاورزی و به‌ویژه نظامی در ایران به اجرا درآورد. یکی از مهمترین این طرحها پروژه گل است که هدف از آن تولید موشکی با برد ۱۵۰ تا ۲۰۰ کیلومتر در ایران بود. (۲) علاوه بر تأمین انرژی، ایران یکی از بازارهای عمده تسلیحات و تکنولوژی اسرائیل بود و با توجه به نقش عمده صادرات سلاح و تکنولوژی در درآمدهای ارزی اسرائیل و بسته بودن بازارهای عمده صادرات سلاح بر روی این رژیم (به ویژه در منطقه ثروتمند خاورمیانه) اسرائیل برای سر پا نگه داشتن صنایع نظامی پرهزینه خود به شدت محتاج صادرات بخشی از محصولات نظامی خود به کشوری بی‌خطر برای جبران قسمتی از هزینه‌های تولید بود. نقش دوگانه ایران در تأمین انرژی موردنیاز اسرائیل از یک سو و خرید محصولات صادراتی این رژیم از سوی دیگر موجب شد تا ایران حائز جایگاهی ویژه در امنیت و اقتصاد اسرائیل گردد. از همین رو ایران در سیاستهای منطقه‌ای اسرائیل به متحدی استراتژیک تبدیل شد. (۳)

دوم این‌که علاوه بر پیامدهای مستقیمی که روی کار آمدن جمهوری اسلامی برای

اسرائیل داشت پیروزی انقلاب در ایران و مخالفت صریح دولت تازه تأسیس با رژیم اشغالگر قدس موجب شد تا روح تازه‌ای در کالبد جریان مبارزه با این رژیم دمیده شود. شکستهای پیاپی و خردکننده دولتهای عرب در مقابل رژیم صهیونیستی فضایی مملو از یأس، سرخوردگی و انفعال بر اردوی عربها حاکم ساخته بود و امید به حل شرافتمندانه مسأله فلسطین را بسیار کم‌رنگ ساخته بود. با پیروزی انقلاب اسلامی کفه معادلات منطقه‌ای به نفع عربها و به ضرر اسرائیل سنگین شد. شیعیان جنوب لبنان که در زمان حکمرانی شاه با توجه به حمایت این رژیم از اسرائیل در میان اعراب احساس سرشکستگی می‌کردند با پیدا کردن یک پشتوانه معنوی و سیاسی به نام جمهوری اسلامی ایران در مقام یک بازیگر مؤثر و سرنوشت‌ساز، وارد میدان مبارزه با اسرائیل شدند. (۴)

قرارداد کمپ دیوید بین مصر و رژیم صهیونیستی آغاز شده بود و در حال تنزل مسأله فلسطین در حد اهرمی برای کسب امتیازات سیاسی - اقتصادی به وسیله طرفهای درگیر و قدرتهای جهانی بود. جمهوری اسلامی ایران با دخالت در مسأله فلسطین ابتکار عمل را از دست رژیمهای سازشکار عرب خارج ساخت و موضع کشورهای مترقی از جمله سوریه و طرفهای فلسطینی را که قبلاً سعی می‌شد بر سر آنها معامله شود را نیرومند ساخت. دولتهای عرب طرفدار سازش نیز به دلیل ترس از نفوذ افکار انقلابی و مخالفتهای عمومی مجبور به تجدیدنظر در روش خود در قبال رژیم صهیونیستی شدند. سرنوشت سادات رئیس جمهور مصر نشان داد که نادیده گرفتن احساسات و عواطف توده‌های مسلمان می‌تواند بهای بسیار سنگینی به همراه داشته باشد.

در این جا ذکر این نکته ضروری است که اگر چه بخش عمده‌ای از تعارض و مخالفت جمهوری اسلامی ایران با رژیم صهیونیستی بر اساس مبانی ایدئولوژیک نظام اسلامی است، اما از سوی دیگر از زاویه منافع ملی نیز این مسأله قابل توجه می‌باشد.

توضیح آن‌که سه کشور مصر، ترکیه و ایران با توجه به وسعت، جمعیت، منابع، ویژگیهای جغرافیایی، پیشینه تاریخی و ... همواره خواهان ایفای نقشی ویژه در خاورمیانه بوده‌اند. (۵) از این رو ورود یک بازیگر جدید در صحنه خاورمیانه، که به دلیل در اختیار داشتن منابع مالی فراوان و برخوردار بودن از پشتیبانیهای سیاسی در سطح جهان می‌تواند به ضرر منافع ملی این کشورها هم باشد.

اسرائیل در دو زمینه برخورداری از سلاح هسته‌ای و تکنولوژی پیشرفته بر سایر کشورهای خاورمیانه برتری دارد و در پی آن است تا با افزایش نقش خود در اقتصاد منطقه آخرین حلقه برتری مطلق خود در منطقه را تکمیل کند. (۶) رژیم اشغالگر قدس به دلیل برخورداری از منابع مالی و فن‌آوری در صورت گشایش بازارهای سرمایه و مصرف منطقه می‌تواند نیاز سرمایه‌ای و مصرفی بخش عمده خاورمیانه را تأمین سازد، امری که در حال حاضر با توجه به تحریم اعراب و اکثر کشورهای اسلامی برای اسرائیل ناممکن می‌باشد. صدور تکنولوژی، سرمایه و کالا به بازار کشورهای خاورمیانه از یک طرف صنعت و تجارت رژیم صهیونیستی را رونق می‌بخشد و از طرف دیگر کشورهای منطقه را در این زمینه‌ها به رژیم صهیونیستی وابسته می‌سازد امری که هم برای اقتصاد و هم جایگاه منطقه‌ای کشورهای مهمی همچون ایران، ترکیه و مصر ناخوشایند می‌باشد. ملاحظات فوق در مجموع منجر به طرح اسرائیل به منزله یک تهدید ملی برای ایران شده است و از این رو می‌بینیم که جمهوری اسلامی نیز جهت حفظ اسلام و کیان اسلامی در مقابله با اسرائیل هیچ‌گونه تردیدی به خود راه نمی‌دهد. البته عملکرد انقلابی ایران دولتمردان رژیم اشغالگر را تحت فشار قرار داده و بنابراین مشاهده می‌شود که مقابله با ایران را یکی از هدفهای استراتژیک خود می‌دانند و این مبین ماهیت تهدید دوجانبه در قضیه ایران و اسرائیل است.

اهم دلایل دشمنی اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران به‌طور مختصر از این قرار است:

۱- ماهیت مذهبی نظام جمهوری اسلامی ایران

۲- موضع‌گیریهای نظام جمهوری اسلامی ایران

۳- ضرورت‌های مقطعی و نیاز به دشمن خارجی

به عقیده مقامات رژیم صهیونیستی سیاستها و ارزشهایی که به‌وسیله ایران دنبال می‌شود در حکم خطری مهم برای اسرائیل است. "جوزف آلفر"^۱ یک مقام سابق موساد و قائم مقام فعلی مرکز مطالعات استراتژیک جافه در دانشگاه تل‌آویو به وجود چنین اتفاق نظری در بین سران اسرائیل تأکید می‌کند. (۷) برای آن‌که روشن شود از زمان اظهار نظر "جوزف آلفر" تاکنون تغییری در این دیدگاه سران رژیم صهیونیستی رخ نداده

است به ذکر آخرین اظهارات "بنیامین نتانیا هو" نخست وزیر رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۳۷۷/۱/۲۵ در این زمینه بسنده می‌کنیم، نامبرده تصریح می‌کند که: «ایران همچنان دشمن اصلی اسرائیل است ... و اسرائیل باید خود را جهت مقابله با خطر آن آماده سازد.»

از مهمترین دلایل خصومت رژیم اشغالگر قدس با نظام جمهوری اسلامی ایران ماهیت مذهبی نظام حاکم بر ایران می‌باشد. این خصومت در درجه نخست از ضدیت عمیق میان اسلام و صهیونیسم ریشه می‌گیرد. حتی اگر از دشمنیها و ضدیت‌های قوم یهود با اسلام و مسلمانان در صدر اسلام نیز بگذریم امروزه اهداف جاه طلبانه و شعارهای برتری جویانه صهیونیسم سیاسی که از بد روزگار محل اجرای آنها در قلب جهان اسلام تعیین شده است در تعارض و تباین جدی با اصول اساسی اسلام از جمله نفی هرگونه سیطره غیرمسلمین بر مسلمانان و خدشه بر عزت جامعه اسلامی قرار دارد.

صهیونیستها در بدو اشغال فلسطین فقط به تفرقه، پراکندگی، ضعف، وادادگی و انفعال آن روز جوامع عرب توجه کرده، محاسبات خویش را براساس وضعیت آن زمان جهان اسلام و به ویژه رژیمهای سیاسی حاکم بر کشورهای اسلامی تنظیم ساخته بودند؛ غافل از این که بازگشت جوامع اسلامی به اصول مصرح قرآنی وضعیت را به گونه ای دیگر تغییر خواهد داد و محاسبات آنان را با خطا مواجه ساخته و یا اصولاً باطل خواهد کرد. دیگر دلیل خصومت عمیق رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران در این است که این نظام را مسؤول و عامل بازگشت مسلمانان از جمله فلسطینیان به اصول ضدسلطه اسلامی می‌داند. سخنان "اسحق رابین" نخست وزیر اسبق رژیم صهیونیستی به خوبی بیانگر این امر است، آن جا که می‌گوید: «تقریباً تمام فلسطینیهایی که به اعمال خشونت آمیز (علیه اسرائیل) ادامه می‌دهند از اسلام به شیوه جمهوری اسلامی ایران الهام می‌گیرند.» (۸) همچنین "بنیامین نتانیا هو" نخست وزیر کنونی دولت صهیونیستی نیز در کتاب خود به نام "مکان تحت الشمس" بر این امر تأکید کرده و اصول گرایبی اسلامی را بزرگترین خطر برای اسرائیل و غرب برشمرده و خاستگاه آن را انقلاب اسلامی ایران می‌داند. (۹)

چنان که گفته شد بازگشت مسلمانان به اصول اسلامی وضعیت را به شکلی بنیادین تغییر داده است. در مورد فلسطینیان این بازگشت به ظهور "انتفاضه" انجامید، انقلابی که

رژیم صهیونیستی را با بن‌بست جدی در نحوه تعاملاتش با فلسطینیان قرار داد. به گفته قریب به اتفاق کارشناسان و تحلیلگران مسائل خاورمیانه تصمیم سران رژیم صهیونیستی به صلح با اعراب و اعطای برخی امتیازات در این مورد بیش از همه تحت تأثیر و فشار انتفاضه مردم فلسطین صورت پذیرفته است. (۱۰) اسحق رابین، نخست‌وزیر پیشین رژیم صهیونیستی خود به روشنی به این نکته اعتراف می‌کند و دلیل توافق با برخی گروه‌های فلسطینی را مقابله با جنبش‌های اسلامگرا برمی‌شمرد: «گمان می‌کنم اگر توافق با ساف امضاء نمی‌شد بیشتر فلسطینیان از جنبش‌های اسلامگرا طرفداری می‌کردند.» (۱۱)

بخش دیگر از دلایل خصومت و دشمنی رژیم اشغالگر قدس با نظام جمهوری اسلامی ناشی از موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. موضع‌گیری‌های جمهوری اسلامی مشخصاً و عمدتاً در سه زمینه موجبات خشم مقامات رژیم صهیونیستی را فراهم آورده است:

اول، حمایت از گروه‌های ضداسرائیلی در خاورمیانه و به طور مشخص گروه‌های فلسطینی و لبنانی درگیر با اسرائیل. (۱۲)

دوم، مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل. (۱۳)

سوم، سردمداری حرکت‌های ضداسرائیلی در مجامع جهانی و صحنه بین‌المللی. (۱۴)

ملاحظات مطروحه در این بخش هر یک خود حکایت از عمق استراتژی تهاجمی اسرائیل علیه ایران اسلامی دارد.

ب) ابعاد تهدید

۱- تهدیدهای امنیتی اسرائیل علیه ایران در گذر زمان

به‌طورکلی ابعاد هر تهدیدی معمولاً متناسب با شدت تعارض میان طرفین تخاصم می‌باشد. اگر چه جمهوری اسلامی ایران از همان بدو پیدایش با دشمنی و مخالفت رژیم اشغالگر قدس مواجه بوده است اما تعارض میان رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران همواره روال و روند ثابتی نداشته است و در بستر زمان تهدید اسرائیل نیز متحول شده است.

در دهه نخست حیات نظام جمهوری اسلامی، با توجه به این‌که ایران مدت کوتاهی

پس از پیروزی انقلاب مواجه با تجاوز خارجی گردید، اسرائیل خطر اصلی را از جانب ایران نمی‌دانست و از آن‌جا که خود با کشورهای عرب درگیر بود، می‌پنداشت می‌تواند به ایران که با تجاوز یکی از کشورهای عرب روبرو بود نزدیک شود. (۱۵)

البته در این برهه جمهوری اسلامی ایران نیز با تکیه بر استراتژی «راه قدس از کربلا می‌گذرد» از برخورد مستقیم با رژیم صهیونیستی خودداری می‌ورزید و مقابله با تجاوز عراق را در اولویت نخست قرار داده بود. اما در این مقطع زمانی نیز حوادثی همچون تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و اقدامات وحشیانه این رژیم علیه مسلمانان فلسطینی از جمله حوادث اردوگاه‌های آوارگان به تشدید خصومت میان دو طرف می‌انجامید لیکن به دلایل پیش گفته به رویارویی مستقیم منجر نمی‌گشت. به نظر می‌رسد به تبعیت از سیاست منطقه‌ای امریکا، موضع رژیم صهیونیستی در قبال جنگ عراق علیه ایران مدیریت این بحران بوده است به شکلی که ادامه آن توان دو کشور درگیر را هر چه بیشتر کاهش داده، آنان را به خود مشغول سازد تا از پرداختن به مسایل مهمتری همچون مسأله فلسطین باز مانند. این سیاست اگر چه در خصوص انحراف توجه مسؤلان جمهوری اسلامی از مسأله فلسطین به هیچ وجه موفق نبود و آنها در فرصتها و مناسبتها مختلف به محکوم کردن جنایات صهیونیستها پرداخته و دولتهای عرب را از پایمال کردن حقوق فلسطینیان برحذر می‌ساختند، اما به نحوی از افزایش سطح و گسترش حوزه برخورد نظام جمهوری اسلامی با رژیم اشغالگر قدس تا میزان قابل توجهی کاست.

نکته دیگری که تذکر آن در این جا ضروری می‌نماید، حذف بازیگر دیگری همچون عراق از ملاحظات امنیتی اسرائیل می‌باشد که با حمله عراق به کویت و دخالت امریکا صورت پذیرفت.

با حذف نسبی عراق از صحنه رقابتهای منطقه‌ای، جمهوری اسلامی ایران که برخی از تواناییهایش در خلال جنگ با عراق دست نخورده باقی مانده بود و با استفاده از فرصت بدست آمده پس از فروپاشی بلوک کمونیزم و جنگ دوم خلیج فارس به تقویت بنیان دفاعی خویش پرداخته بود، به هدف بعدی رژیم اشغالگر قدس تبدیل گردید. از اوائل سال ۱۹۹۲ میلادی در مطبوعات اسرائیل این موضوع پی گرفته شد که با حذف عراق از صحنه رقابت و تغییر موازنه قدرت به نفع ایران، با خطر ایران چه باید کرد؟ (۱۶) و به این طریق موج جدید خصومت میان جمهوری اسلامی ایران و رژیم

صهیونیستی آغاز شد، هر چند که این خصومت هیچ‌گاه کاملاً محو نشده بود. اگر این تخاصم در آغاز و با پیروزی انقلاب اسلامی به وسیله ایران آغاز گشت این بار این صهیونیستها بودند که به آن دامن می‌زدند.

دوره پس از جنگ دوم خلیج فارس و به هم خوردن موازنه منطقه‌ای به نفع جمهوری اسلامی ایران که هم اکنون نیز در آن به سر می‌بریم، در مدت دو دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی از مقاطعی است که نظام جمهوری اسلامی با جدی‌ترین خطرات انگیزخته رژیم اشغالگر قدس مواجه بوده است.

در این مقطع زمانی، رژیم صهیونیستی سناریوهای متعددی جهت مقابله و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران مطرح ساخته و پی گرفته است و شماری از احتمالات نیز بدون آن‌که مقامات رژیم صهیونیستی آن‌را صراحتاً بیان کرده باشند اما با توجه به سطح ستیزه‌جویی میان دو طرف محتمل دانسته شده‌اند.

۲- سناریوهای رژیم صهیونیستی برای تهدید ایران

سناریوهای احتمالی مقابله رژیم صهیونیستی با جمهوری اسلامی ایران به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: نخست، سناریوهای مربوط به اقدام انفرادی و مستقیم اسرائیل علیه ایران و دوم، سناریوهای متکی بر اقدام جمعی و مشترک اسرائیل با همپیمانان غربی و در صورت امکان کل کشورهای جهان علیه جمهوری اسلامی ایران. البته به جز مورد حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی ایران، مقامات اسرائیلی سایر تهدیدات خود را بر مبنای مقابله بین‌المللی و حداقل مقابله امریکا با نظام جمهوری اسلامی ایران تنظیم کرده‌اند و تهدیدات انفرادی و مستقیم یا نوع اول (البته بجز سناریوی حمله به تأسیسات اتمی جمهوری اسلامی ایران) بیشتر از طرف تحلیلگران سیاسی مطرح شده‌اند تا مقامات رسمی رژیم صهیونیستی، اما با این حال نمی‌توان نسبت به آنها بی‌توجه بود.

از آن‌جا که رژیم اشغالگر قدس با توجه به محدودیتها و موانع گوناگون فنی، مالی، جغرافیایی و سیاسی به تنهایی قادر به تهیه ابزار و پرداخت هزینه‌های برخورد با ایران نبوده و به دلیل بُعد جغرافیایی و توان بالقوه جمهوری اسلامی، از برخورد مستقیم و متعارف نظامی علیه جمهوری اسلامی نیز ناتوان می‌باشد و از سوی دیگر با توجه به

نداشتن وجهه و مقبولیت جهانی امکان بازداشتن سایر کشورها از همکاری با ایران را نیز ندارد، بر آن است تا با برجسته کردن خطر ایران برای امریکا، کشورهای غربی و در نهایت کل جامعه جهانی، با هزینه دیگران به هدف رفع خطر ایران علیه خود نائل آید. (۱۷) در حال حاضر رژیم اسرائیل و رسانه‌های قدرتمند حامی آن از چند جنبه اقدامات و فعالیت‌های جمهوری اسلامی را تهدید علیه صلح و امنیت جهانی جلوه می‌دهند:

نخست، صدور انقلاب اسلامی و حمایت از تروریسم بین‌المللی؛ صهیونیستها و رسانه‌های وابسته به آنها چنین تبلیغ می‌کنند که شعار صدور انقلاب اسلامی که به وسیله مسؤولان نظام جمهوری اسلامی مطرح شده است نهایتاً هدف مرزگشاییهای گسترده و سیطره بر کل کشورهای اسلامی و تشکیل یک امپراتوری قدرتمند را دنبال می‌کند (۱۸) و طبیعی است که چنین امری با توجه به در پی داشتن جنگ‌های خونین و متعدد صلح و امنیت جهانی را به طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد. در همین باره رسانه‌های صهیونیستی بلافاصله پس از وقوع هر اقدام تروریستی در هر گوشه از جهان آن را به جمهوری اسلامی ایران نسبت می‌دهند. انتساب انفجار مرکز تجارت جهانی در امریکا، انفجار هواپیمای خطوط پان‌امریکن، انفجار مرکز یهودیان در آرژانتین، انفجار طهران و ... به ایران از آن جمله‌اند. صهیونیستها سعی می‌کنند جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، کمک ایران به مبارزان لبنانی و فلسطینی در جهاد آنها علیه رژیم صهیونیستی، حمایت از دولتهای مسلمانی همچون سودان و بوسنی و هرزگوین و دیپلماسی فعال جمهوری اسلامی در بحرانهای بالکان، قفقاز، آسیای میانه، افغانستان، کشمیر و آفریقا (۱۹) و حتی برخی اختلافات جزئی که معمولاً هر کشوری با همسایگان خود دارد از قبیل مسائل مربوط به جزایر ایرانی خلیج فارس را نمادها و مصادیقی از تلاش جمهوری اسلامی برای صدور انقلاب خود تبلیغ و آن را مقدمه‌ای برای حضور همه‌جانبه و در دست گرفتن حکومتها و حتی اشغال این مناطق از سوی ایران اعلام می‌کنند. (۲۰)

دوم، تهدید جریان نفت؛ صهیونیستها و صنعت ژئوپولیتیک جمهوری اسلامی و از جمله کنترل ایران بر تنگه هرمز و همچنین تلاش ایران برای بازسازی توان نظامی صدمه دیده در جنگ با عراق از جمله تقویت نیروی دریایی خود (۲۱) دلیلی برای تهدید

جریان آزاد نفت به جهان خارج می‌دانند. این امر بیشتر جهت جلب نظر مساعد کشورهای اروپایی و ژاپن که عمده نفت مورد نیاز خود را از خلیج فارس تأمین می‌کنند با برنامه‌های ضدایرانی رژیم صهیونیستی و امریکا برجسته می‌شود.

سوم، دستیابی ایران به سلاحهای کشتار جمعی و ابزار به‌کارگیری آنها؛ رژیم صهیونیستی و رسانه‌های وابسته به آن با تبلیغ این‌که ایران دارای ذخایر عظیمی از سلاحهای شیمیایی و میکروبی است و دستیابی آن به سلاح هسته‌ای مراحل پایانی خود را می‌گذراند و با بزرگ‌نمایی توان موشکی موجود ایران و برنامه‌های آتی ایران برای افزایش توان دفاعی خود چنین القاء می‌کنند که بخشهای عمده‌ای از جهان به ویژه کشورهای اروپایی یا در حال حاضر در تیررس سلاحهای کشتار جمعی ایران قرار دارند و یا به زودی در معرض این سلاحها قرار خواهند گرفت.

مقامات رژیم صهیونیستی سالهاست که برای دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح اتمی زمان تعیین می‌کنند. در سال ۱۳۷۳ مقامات اطلاعاتی رژیم صهیونیستی اعلام کردند که ایران در کمتر از ۳ سال به سلاح هسته‌ای دست خواهد یافت (۲۲) و اکنون که بیش از ۴ سال از آن تاریخ گذشته است هنوز هم تأکید می‌کنند که تا سه سال دیگر ایران به بمب هسته‌ای ابتدایی دست خواهد یافت (ظاهراً حرف مرد یکی است!!). این در حالی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که نهاد رسمی نظارت بر فعالیتهای اتمی کشورهای عضو این آژانس می‌باشد کراراً اعلام کرده است که فعالیتهای هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران کاملاً صلح‌آمیز بوده و مدرکی دال بر استفاده نظامی ایران از تأسیسات هسته‌ای خود وجود ندارد. (۲۳)

اسرائیل با توجه به ناتوانی از ایجاد یک جبهه متحد جهانی علیه جمهوری اسلامی علی‌رغم تبلیغات گسترده و پرهزینه، سعی می‌کند تا در میان کشورهای غربی اتفاق نظری جهت مقابله با جمهوری اسلامی ایران پدید آورد. سفر مکرر مقامات اسرائیلی به کشورهای اروپایی و امریکایی و طرح مکرر خطر ایران برای غرب در این جهت صورت می‌پذیرد. صهیونیستها چنین تبلیغ می‌کنند که جمهوری اسلامی ایران با انجام دادن اقدامات تروریستی و حمایت از گروههای مخالف در صدد بی‌ثبات کردن رژیمهای طرفدار غرب در منطقه و روی کار آوردن نظامهای سیاسی مخالف غرب می‌باشد. (۲۴) ماجرای دادگاه میکونوس و پیامدهای آن از جمله خروج سفیرای کشورهای

اتحادیه اروپایی از ایران، فرصت مناسبی در اختیار صهیونیستها قرار داد تا به تبلیغات ضدایرانی خود در کشورهای غربی شدت بخشیده، برخی از مقامات این کشورها را با خود همراه سازند.

اگر چه روابط ایران با کشورهای غربی چندان مطلوب نبوده و حوادث چند ساله اخیر از جمله مسأله سلمان رشدی، دادگاه میکونوس و ... نیز به سردی روابط دامن زده است اما کشورهای غربی حاضر نشده‌اند چنان‌که دلخواه رژیم صهیونیستی و حامیان آن است به مقابله با ایران برخیزند. از همین رو اسرائیل در مقابله با جمهوری اسلامی بیشترین امید و تکیه‌اش به حامی سنتی و شریک استراتژیک خود یعنی ایالات متحده می‌باشد. ظاهراً اسرائیلیها برخلاف دو مورد قبل، تا حد زیادی موفق شده‌اند نظر مساعد دولت امریکا نسبت به دیدگاه خود در مورد جمهوری اسلامی و لزوم مقابله با آن را جلب کنند. "شیمون پرز" نخست‌وزیر سابق رژیم صهیونیستی پس از دیدار با مقامات امریکایی صراحتاً اعلام داشت که: «اسرائیل و امریکا به توافق رسیده‌اند که همکاری استراتژیک خود علیه ایران را تقویت کنند.» (۲۵) در همین باره برخی از تحلیلگران اقدامات ضدایرانی دولت امریکا از جمله کمک ۲۰ میلیون دلاری به مخالفان جمهوری اسلامی را متأثر از تلاشهای مقامات اسرائیلی در این خصوص دانسته‌اند و به طور مشخص تصمیم "گینگریچ" رئیس جمهوریخواه مجلس نمایندگان امریکا مبنی بر اختصاص بودجه‌ای جهت مقابله با ایران بلافاصله پس از دیدار وی با شیمون پرز را در این جهت ارزیابی می‌کنند. (۲۶)

البته اسرائیل هنوز هم در مورد انجام دادن هر برخوردی با جمهوری اسلامی به حمایت امریکا امیدوار و به آن نیازمند است. هر چند با توجه به تحولات اخیر به نظر می‌رسد دولت امریکا نیز مایل نیست هزینه بلندپروازیهایی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی را به طور کامل بپردازد و یا حداقل در این زمینه تا حدودی مردد است.

در مورد برخورد مستقیم و انفرادی رژیم اشغالگر قدس با جمهوری اسلامی نیز سناریوهای مختلفی قابل تصور است که خود به دو دسته کلی قابل تقسیم می‌باشند:

اول، تهدیدات با ماهیت هسته‌ای

دوم، تهدیدات نظامی غیرهسته‌ای

برخی از تحلیلگران با توجه به قطعی بودن توان هسته‌ای اسرائیل بر این اعتقادند که در صورت جدی تلقی شدن خطر جمهوری اسلامی ایران برای رژیم صهیونیستی، این رژیم ابایی از به‌کارگیری سلاح هسته‌ای نخواهد داشت و اگر تاکنون در منازعات پیشین خود با همسایگانش این سلاحها را به‌کار نگرفته است به دلایل انسان‌دوستانه یا ملاحظات بین‌المللی نبوده است بلکه بیشتر از آن جهت بوده که به‌کارگیری سلاح هسته‌ای علیه کشورهای همسایه با توجه به محدودیت جغرافیایی اسرائیل، آثار مخربی همچون غبارهای هسته‌ای، مواد رادیواکتیو و بارانهای اسیدی بر سرتاسر منطقه می‌گذارد، که اسرائیل نیز از آن بی‌بهره نمی‌ماند. روی هم رفته این دسته از تحلیلگران معتقدند که با توجه به دور بودن ایران و منتفی بودن موانع فوق، امکان حمله تمام‌عیار هسته‌ای اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران وجود دارد.

دسته دیگری از تحلیلگران اگر چه تهدید هسته‌ای اسرائیل را جدی می‌شمارند اما معتقدند که امکان حمله کامل هسته‌ای اسرائیل یا هر کشور دیگری به سایر کشورها وجود ندارد. زیرا نابودی یک کشور به وسیله سلاح هسته‌ای در عرصه بین‌المللی، زیست‌محیطی و ... پیامدهای جدی خواهد داشت و از همین رو امکان حمله تمام‌عیار هسته‌ای با توجه به برخوردار بودن بسیاری از کشورهای دیگر از سلاح هسته‌ای بسیار بعید می‌باشد.

اما این تحلیلگران در عین حال معتقدند که امکان ضربه هسته‌ای تاکتیکی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی وجود دارد. زیرا بنابر شواهد گوناگون گواه بر اینست که اسرائیل هم از توانایی تکنولوژیکی تولید چنین سلاحهایی برخوردار است (۲۷) و هم این‌که به‌کارگیری چنین سلاحهایی علی‌رغم ضربه زدن شدید به زیرساختها و توان اقتصادی - دفاعی جمهوری اسلامی تبعات زیست‌محیطی و بین‌المللی سابق را نخواهد داشت.

برخلاف نظر این دو گروه از تحلیلگران، اکثریت صاحب‌نظران امکان حمله هسته‌ای اسرائیل علیه ایران و یا هر کشور اسلامی دیگر را اندک می‌دانند زیرا اولاً ایران و کشورهای اسلامی دیگر نیز از تواناییهای نسبی در مقابله به مثل برخوردار می‌باشند و ثانیاً این امر کشورهای اسلامی را وخواهد داشت تا به محض دستیابی به سلاحهای کشتارجمعی و هسته‌ای در اولین فرصت اسرائیل را مورد حمله تمام‌عیار قرار دهند. از همین رو بیشتر تحلیلگران حمله احتمالی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی را دارای

ماهیتی غیرهسته‌ای می‌دانند. از این میان عده‌ای اعتقاد دارند که حملات نظامی احتمالی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی بیشتر به شکل بمبارانهای پراکنده ایدایی و حملات موشکی به مراکز اقتصادی، نظامی، جمعیتی و ... خواهد بود تا مانع از حیات طبیعی جمهوری اسلامی شده، آن‌را از پیگیری اهداف خود از جمله در زمینه‌های دفاعی باز دارد.

اما سناریویی که به دلایل مختلف احتمال آن بیشتر از سایر موارد مذکور می‌باشد، حمله پیشگیرانه اسرائیل به مراکز هسته‌ای و دفاعی جمهوری اسلامی ایران است. این سناریو از آن جهت محتمل‌تر دانسته شده است که اولاً مقامات اسرائیلی کراراً و رسماً آن را اعلام کرده‌اند؛ ثانیاً صهیونیستها با توجه به سوابقشان در حمله به تأسیسات هسته‌ای تموز عراق در سال ۱۹۸۱ عملاً جدی بودن خود در دست زدن به چنین اقداماتی را نشان داده‌اند؛ ثالثاً آن‌را با توجه به حقوق بین‌الملل قابل توجیه می‌دانند و رابعاً انگیزه لازم برای دست زدن به چنین اقدامی را دارند.

مقامات رژیم صهیونیستی از نخست‌وزیر آن گرفته تا رئیس ستاد ارتش، فرمانده نیروی هوایی، نمایندگان پارلمان و ... بارها به قصد خود جهت وارد ساختن ضربه به تأسیسات دفاعی و هسته‌ای ایران تصریح کرده‌اند به گونه‌ای که بیانات مقامات این رژیم در این مورد آن قدر فراوان است که ذکر مصادیق لازم به نظر نمی‌رسد. سوابق رژیم صهیونیستی نیز نشان می‌دهد که در صورت احساس خطر نسبت به پیشدستی در وارد ساختن ضربه تردید به خود راه نمی‌دهد. این رژیم تقریباً در تمامی نزاعها با همسایگان خود پیش قدم بوده است (به جز جنگ ۱۹۷۳).

صهیونیستها همواره حمله علیه سایرین را تحت عنوان "دفاع پیشگیرانه از خود" توجیه کرده‌اند و به نظر می‌رسد در مورد هر نوع حمله‌ای به جمهوری اسلامی ایران اقدام خود را دفاع پیشگیرانه قلمداد کنند. البته لازم به ذکر است که دفاع پیشگیرانه در حقوق بین‌الملل لوازم و مقتضیاتی دارد که با هیچ‌یک از اقدامات رژیم صهیونیستی در این زمینه قابل انطباق نیست.

صهیونیستها در مورد مقوله امنیت بسیار حساسند و از دیر باز امنیت برای آنها به معنی حفظ موجودیت بوده است و ذهنیتهای تاریخی در مورد قتل عام یهودیان و آوارگی همیشگی آنها موجب شده است تا صهیونیستها با مشابه‌سازی رفتاری،

خاطرات تاریخی یهودیان را در برخورد با دشمنان امروز خود از جمله جمهوری اسلامی ایران تداعی کنند و با تبلیغ قصد ایران در نسل‌کشی یهودیان (با سوء تعبیر شعارهای اصولگرایانه و انقلابی همچون "اسرائیل غده سرطانی است"؟ و "اسرائیل باید از بین برود") انگیزه لازم را در جامعه اسرائیل و یهودیان جهان برای مقابله و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران فراهم آورند. (۲۸)

ظاهراً اسرائیلیها نه از میزان و کیفیت توان تهدیدکننده جمهوری اسلامی ایران اطلاع دقیق دارند و نه مطمئن هستند که با حمله به ایران می‌توانند این توان را به طور صد در صد از بین ببرند. (۲۹) تجربه حمله به تأسیسات هسته‌ای عراق نشان داد که عراق نه تنها از پیگیری برنامه‌های هسته‌ای خود دست نکشید بلکه با مخفی‌کاری به حدی از تواناییها رسید که بزرگترین قدرت اطلاعاتی و جاسوسی جهان یعنی امریکا نیز از تخمین آن ناتوان ماند و تنها پس از جنگ با کویت بود که دسترسی به تأسیسات مخفی عراق ممکن گشت و از پیشرفت بسیار بالا عراق در زمینه هسته‌ای اطلاع حاصل شد. (۳۰)

بنابراین علی‌رغم جدی‌ترین سناریوی "حمله پیشگیرانه" نسبت به سایر سناریوها، این سناریو نیز به دلیل محدودیتهای گوناگون سیاسی، فنی و امنیتی در حال حاضر برای اسرائیل قابل اجرا نیست زیرا جمهوری اسلامی تواناییهای متعدد و پراکنده‌ای دارد که شناسایی دقیق آنها برای صهیونیستها مقدور نخواهد بود و همچنین آزمایشهای اخیر موشکی توان مقابله به مثل جمهوری اسلامی ایران را آشکار ساخت و در ضمن در محیط بین‌المللی نیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران دید مثبتی وجود دارد و اقدام احتمالی اسرائیل پیامدهای بین‌المللی گسترده‌ای برای این رژیم در پی خواهد داشت.

ج) پیامدهای تهدید

تهدید نظامی - امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران پیامدهای مثبت و منفی گوناگونی برای ایران در بر دارد. مهمترین پیامد مثبت تهدید اسرائیل علیه جمهوری اسلامی علاوه بر حفظ و گسترش وحدت و انسجام ملی در درون کشور، تقویت چهره مثبت و مترقی نظام جمهوری اسلامی در بین کشورهای اسلامی است. به دلیل تهدیدهای مکرر اسرائیل علیه جمهوری اسلامی، نظام اسلامی ایران نه تنها در بین توده‌های مردمی جوامع اسلامی بلکه همچنین در بین دولتهای اسلامی از جایگاه

ممتازی برخوردار شده و همین امر موجب گشته است تا علی‌رغم درگیر نبودن مستقیم جمهوری اسلامی ایران در روند صلح خاورمیانه، نظرات جمهوری اسلامی تأثیر عمیقی بر این موضوع بگذارد و کشورهای عربی پس از ناامیدی از به نتیجه رسیدن این روند به دنبال روی کار آمدن دولت دست راستی "تانیاهو" در اسرائیل، به ایران نزدیک شوند و این امر خود، موجب شود که تلاش امریکا و رژیم صهیونیستی جهت منزوی ساختن جمهوری اسلامی عقیم گردد.

اما در مورد پیامدهای منفی تهدید رژیم اشغالگر قدس علیه جمهوری اسلامی ایران باید گفت که رژیم اسرائیل با برخورداری از ارتباطات پیچیده و گسترده با مراکز تبلیغی، مالی و سیاسی بین‌المللی و همچنین با یاری از نفوذ بین‌المللی امریکا تاکنون مشکلاتی را برای جمهوری اسلامی فراهم آورده است.

در مبحث "ابعاد تهدید" به مصادیق عینی تهدید نظامی - امنیتی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی اشاره شد و سناریوهای احتمالی ذکر گردید. اما واقعیت این است که تهدیدات اسرائیل علیه جمهوری اسلامی به تهدیدهای نظامی منحصر نمی‌شود و تهدیدهای اسرائیل در سایر زمینه‌ها نیز ممکن است امنیت جمهوری اسلامی را در معرض خطر قرار دهد، که ما در این جا از جنبه‌های غیرنظامی تهدید اسرائیل با عنوان پیامدهای امنیتی (که جنبه‌های متفاوت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... دارد) بحث می‌کنیم. بنابراین در مبحث "پیامدهای تهدید" به پیامدهای نظامی و غیرنظامی تهدید اسرائیل از جمله پیامدهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ... این تهدید می‌پردازیم (از این جهت تهدیدات غیرنظامی اسرائیل پیامدهای تهدید نظامی این رژیم دانسته شده‌اند که در واقع همسو با این تهدید و با همان هدف پیگیری می‌شوند و در واقع به دلیل محدودیتهای تهدید نظامی به جای آن نشسته‌اند).

با توجه به عواقب جدی که برخورد نظامی اسرائیل با جمهوری اسلامی ممکن است برای آن کشور داشته باشد، به نظر می‌رسد صهیونیستها سعی می‌کنند تا حد ممکن از راههای کم‌هزینه‌تری به مقاصد خود علیه جمهوری اسلامی ایران دست پیدا کنند. در همین باره "اوری لوبرانی" هماهنگ‌کننده فعالیت‌های اسرائیل در جنوب لبنان در اردیبهشت ماه سال قبل طی یک سخنرانی در مؤسسه واشنگتن به صراحت این موضع را مورد تأکید قرار داد و گفت: «واکنش نظامی را نباید به مثابه راهی برای برخورد با ایران

دانست، زیرا در چنین صورتی مردم دور رژیم حلقه می‌زنند و نتیجه معکوس از حمله گرفته می‌شود.» (۳۱)

قبل از پرداختن به پیامدهای امنیتی تهدید رژیم صهیونیستی، لازم به ذکر است که اگر چه ممکن است رژیم اشغالگر قدس با توجه به محدودیتها، موانع و عواقب وخیم برخورد نظامی با جمهوری اسلامی عملاً دست به چنین اقدامی نزند اما صرف تهدید نظامی اسرائیل (صرف نظر از جامه عمل پوشیدن) و یا حتی صرف ابزار نظامی که این رژیم در اختیار دارد پیامدهایی برای جمهوری اسلامی دارد که مختصراً به مهمترین آنها اشاره می‌شود.

مهمترین پیامد مستقیم تهدید نظامی اسرائیل گسترش مسابقه تسلیحاتی در منطقه است. تهدید اسرائیل موجب شده است تا منطقه به زردخانه سلاحهای گوناگون تولیدی کارخانجات جنگ‌افزار سازی شرق و غرب تبدیل شود. طبیعی است که محیط امنیتی هر کشور متأثر از شرایط حاکم بر کل منطقه و توان و ابزار نظامی کشورهای همسایه آن می‌باشد. زمانی که یکی از کشورهای منطقه به ابزار و سلاح نظامی تهدیدکننده‌ای دست پیدا می‌کند سایر کشورهای ذینفع نیز سعی می‌کنند به سلاح مشابه یا ابزار مقابله با آن مسلح شوند.

یکی از مهمترین پیامدهای تهدید اسرائیل، گسترش مسابقه تسلیحاتی است. رژیم صهیونیستی با توجه به بلندپروازیهای استراتژیک و توسعه‌طلبیهای بی حد و حصر آن برای بسیاری از کشورهای منطقه تهدید جدی به حساب می‌آید و از آن‌جا که از تسلیحات پیشرفته‌ای برخوردار است سایر کشورهای منطقه نیز سعی می‌کنند جهت مقابله با تهدید این رژیم تواناییهای خود را توسعه دهند اما سلاحهایی که کشورهای منطقه جهت مقابله با خطر اسرائیل خریداری و یا تولید می‌کنند خود، وضعیت امنیتی همسایگان آنها و سایر کشورهای منطقه را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد و این چرخه به هم پیوسته موجب می‌شود تا منطقه درگیر یک مسابقه تسلیحاتی پرهزینه و بی‌سرانجام گردد. برای مثال چند سال پیش عربستان سعودی مشخصاً تحت عنوان مقابله با خطر اسرائیل اقدام به خرید موشکهای میان‌برد CSS-2 از چین کرد. اما این موشکها علاوه بر توانایی هدف قرار دادن خاک اسرائیل قابلیت پوشش بخش قابل توجهی از قلمرو ایران، عراق، سوریه، مصر و ... را نیز به عربستان می‌بخشید. از این رو طبیعی بود که کشورهای

مزبور نیز سعی در مسلح شدن به سلاح مشابه یا ابزار مقابله با آن کنند. این امر در مورد سایر سلاحها و کشورها نیز صدق می‌کند.

طبیعی است که برای جمهوری اسلامی با توجه به مشکلات اقتصادی و درآمد محدود ارزی وارد شدن در این مسابقه تسلیحاتی پرهزینه به هیچ روی پذیرفتنی نیست، اما علی‌رغم این واقعیت پیامدهای امنیتی این مسابقه آن‌چنان جدی است که گزیری از انجام دادن اقدامات متقابل وجود ندارد.

تهدید اسرائیل همچنین موجب بالا رفتن ریسک سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه از جمله جمهوری اسلامی می‌شود. سرمایه‌گذاران خارجی و حتی داخلی علاوه بر تضمین سود سرمایه‌گذاری خود و مقدم بر آن نگران اصل سرمایه خویش می‌باشند. بدیهی است که تهدیدهای هر از چندگاه نظامی اسرائیل علیه جمهوری اسلامی می‌تواند با خدشه وارد ساختن به امنیت سرمایه‌گذاری تداوم آن‌را که از ضروری‌ترین عوامل و مقدمات توسعه کشور می‌باشد با خطر روبرو کند.

تهدید نظامی اسرائیل همچنین ممکن است به تخصیص غیرمعمول و در مواردی نابه‌جای منابع جمهوری اسلامی منجر شود. مقابله با تهدیدات نظامی اسرائیل جمهوری اسلامی را وادار می‌دارد تا منابع اندک و باارزش خود را صرف امور غیرمولد سازد و بدتر از آن این‌که با تغییر توان و امکانات رژیم صهیونیستی با بی‌مصرف ماندن سرمایه‌گذارهای انجام شده فعلی مجدداً در زمینه‌هایی جدید به سرمایه‌گذاری هنگفت بپردازد. البته این امر مختص جمهوری اسلامی ایران نیست و اصولاً ماهیت تهدید نظامی ایجاب می‌کند که هر کشوری با تغییر در شکل تهدید به بازسازی و احتمالاً دگرگونی عمده توان و ابزار خود جهت مقابله با تهدید اقدام ورزد. البته تهدید نظامی اسرائیل پیامدهای جدی دیگری نیز در پی داشته و یا می‌تواند داشته باشد که پرداختن به همه آنها در حوصله بحث حاضر نیست.

اما چنان‌که گفته شد علاوه بر تهدید نظامی رژیم صهیونیستی که پیامدهای مستقیم آن در سطور پیشین مذکور افتاد، شماری از تهدیدات نیز از جانب اسرائیل متوجه جمهوری اسلامی ایران است که یا اساساً ماهیتی نظامی ندارند و یا این‌که حداقل به طور مستقیم ابزار نظامی در آنها دخالتی ندارد. ذیلاً به مهمترین پیامدهای این تهدید در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... اشاره می‌شود.

در زمینه اقتصادی - تکنولوژیک تهدید اسرائیل با توجه به ارتباطات گسترده رژیم صهیونیستی با مراکز و قطبهای اقتصادی - صنعتی جهان بسیار جدی و دارای پیامدهای گسترده‌ای است. یکی از چهره‌های شناخته شده رژیم اشغالگر با ذکر اهمیت اقتصاد در ادامه حیات جمهوری اسلامی، ضربه وارد ساختن به اقتصاد ملی و معیشت ایرانیان را یکی از مؤثرترین راههای مقابله با جمهوری اسلامی و حتی سرنگونی آن دانسته و به غرب توصیه می‌کند که با وارد ساختن فشار اقتصادی و تزریق نارضایتی در میان جامعه ایران به اهداف سیاسی خود دست یابد. (۳۲)

در همین باره صهیونیستها با ایجاد مانع و کارشکنی در مسیر همکاری جمهوری اسلامی با کشورهای جهان سعی می‌کنند تا مانع شکوفایی اقتصاد ایران و توسعه علمی و فنی آن شوند. کارشکنی در همکاریهای اقتصادی - صنعتی و تجاری جمهوری اسلامی ایران با کشورهای روسیه، چین، کره شمالی و کشورهای اروپایی از آن جمله است که ذکر جزئیات این کارشکنیها در این فرصت محدود ممکن نیست و تنها به ذکر این نکته بسنده می‌کنیم که به خاطر هرگونه همکاری جمهوری اسلامی با این کشورها به بهانه استفاده دوگانه (نظامی و غیرنظامی) ایران از امکانات آنان، جهت قطع این همکاریها بر کشورهای مزبور فشار وارد می‌شود. فشار اسرائیل بر روسیه جهت قطع همکاریهای هسته‌ای و دفاعی و حتی فنی با جمهوری اسلامی و همچنین فشار بر کشورهای چین و کره شمالی با بهانه کمک به توان موشکی، هسته‌ای و تولید سلاحهای کشتار جمعی از جمله شیمیایی و میکروبی از آن جمله‌اند. (۳۳)

در زمینه سیاسی - بین‌المللی رژیم صهیونیستی بر آنست تا با تبلیغات پر حجم و گسترده و نسبت دادن تمامی اقدامات تروریستی به جمهوری اسلامی و جبهه نظام اسلامی را تخریب و زمینه‌های محکومیت بین‌المللی جمهوری اسلامی را فراهم آورد که در مواردی همچون انفجار مرکز یهودیان آرژانتین و همچنین محکومیت جمهوری اسلامی به علت نقض حقوق بشر با کمک ایالات متحده به توفیقاتی نیز دست یافته است. در زمینه اجتماعی - فرهنگی تهدید رژیم اشغالگر قدس از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که مهمترین عامل تعارض اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران ناشی از ماهیت ایدئولوژیک نظام حاکم بر ایران اسلامی است و نظامهای ایدئولوژیک نیز معمولاً سازش‌ناپذیرند، صهیونیستها به شدت در پی آنند تا با اقدامات فرهنگی و

اجتماعی به ایدئولوژی‌زدایی از جامعه ایرانی پردازند. استحاله فرهنگی و ایدئولوژیک نظام اسلامی با تکیه بر ابزارهایی چون برنامه‌های رادیویی، ماهواره‌ای و ... در حال حاضر به وسیله رژیم صهیونیستی پیگیری می‌شوند و در این جهت اخیراً این رژیم اقدام به واگذاری کانالهای ماهواره‌ای به مخالفان جمهوری اسلامی کرده است.

نتیجه‌گیری

دشمنی جمهوری اسلامی و رژیم صهیونیستی با توجه به برخورداری یکی از طرفین تخصص از سلاحهای هسته‌ای وضعیت ویژه‌ای دارد. این برخورداری یک جانبه از سلاح هسته‌ای موجب گردیده است تا رژیم صهیونیستی با استفاده از موضع برتر خود در صدد تحمیل خواست خود بر کشورهای منطقه و در مرحله اول حفظ این عدم تعادل و قدرت بازدارنده خود باشد.

به نظر می‌رسد برای جمهوری اسلامی با توجه به ماهیت توسعه‌طلبانه و ضداسلامی رژیم صهیونیستی چاره‌ای جز دستیابی به ابزار مقابل به مثل که موجبات ایجاد تعادل در موازنه منطقه‌ای قدرت را فراهم آورد، وجود ندارد.

باید توان مقابله به مثل با اسرائیل به مرحله‌ای برسد که این رژیم با توجه به عواقب گسترده ضربه دوم از وارد ساختن ضربه نخست منصرف گردد.

همزمان با دستیابی به قدرت مقابله به مثل، دستیابی به سیستمهای دفع ضربه از جمله سیستم ضد موشک نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است تا امکان دریافت ضربه غافلگیرکننده هسته‌ای به حداقل برسد.

البته شاید خلع سلاح منطقه‌ای و عاری‌سازی منطقه از سلاحهای هسته‌ای از رجحان بیشتری نسبت به دستیابی به سلاح هسته‌ای برخوردار باشد اما با توجه به این‌که اسرائیل تا زمانی که به تنهایی از قدرت هسته‌ای برخوردار است به هیچ عنوان بدان تن نخواهد داد. (۳۴) لازم است با ایجاد موازنه هسته‌ای در منطقه و سلب این امتیاز ویژه از رژیم صهیونیستی و با کمک سازمانهای بین‌المللی و کشورهای منطقه طرح عاری‌سازی منطقه از جنگ‌افزارهای کشتار جمعی از جمله سلاح هسته‌ای را دنبال کرد و در واقع سلب این امتیاز انحصاری از اسرائیل قدم نخست در راه عاری‌سازی خواهد بود.

یادداشتها

- ۱- ابراهیم متقی، «تحلیل رفتار اسرائیل در برابر جمهوری اسلامی ایران»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۸، ص ۷۱.
- 2- Steinberg, Gerald M. "Israel: Case Study For International Missile Trade and Nonproliferation", **International Missile Bazaar**, ed. by Potter and H. Jencks, Boulder, Westview press, 1994.
- 3- Ibid.
- 4- Fouad Ajami, "Lebanon and its inheritors", Foreign Affairs, spring 1985.
- ۵- در این باره رک: مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، فروردین - اردیبهشت ۱۳۷۴، ص ۱۲.
- ۶- تشکیل اجلاسهای اقتصادی "دارالبیضاء" در مراکش و "دوحه" به درخواست اسرائیل و با توصیه ایالات متحده انجام شد. رژیم اشغالگر قدس در دو اجلاس فوق و به ویژه در اجلاس دارالبیضاء بیشترین شرکت کننده را داشت، در این اجلاس بیش از ۱۰۰ تن از مقامات، کارشناسان و بازرگانان اسرائیلی شرکت داشتند (فصلنامه خاورمیانه، بهار ۱۳۷۴، ص ۲).
- 7 - **NewYork Times**, 8 Nov, 1992.
- ۸- مجله سیاست خارجی، سال ۹، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، ص ۸۴.
- ۹- مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۸، ص ۱۹۰.
- ۱۰- جهانگیر کرمی، «استراتژی نظامی و برنامه های تسلیحاتی اسرائیل»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۸، صص ۱۷ و ۱۸.
- ۱۱- فصلنامه خاورمیانه، تابستان ۱۳۷۳، ص ۲۱۴.
- ۱۲- جهت مطالعه بیشتر درباره این محور رک:
- جهانگیر کرمی، پیشین، ص ۱۸.
- خبرنامه خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، شماره ۶۳، مورخ ۷۶/۳/۱.
- ۱۳- جهت مطالعه بیشتر درباره استراتژی صلح طلبی اسرائیل و عملکرد مناسب ایران، رک:

- Clyde Haberman, **New York Times**, 8 Nov., 1992.
- دونالدنف، «گروگانگیری سیاست خارجی آمریکا توسط اسرائیل»، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۸، صص ۹-۱۴۸.
- ابراهیم متقی، پیشین.
- فصلنامه خاورمیانه، بهار ۱۳۷۴.
- فصلنامه خاورمیانه، زمستان، ۱۳۷۴.
- جملیه کدیور، انتفاضه، حماسه مقاومت فلسطین، اطلاعات، ۱۳۷۲.
- حاکم قاسمی، «تأثیرات منطقه‌ای سیاست‌های دولت جدید اسرائیل»، مجله سیاست دفاعی، ش ۱۸، صص ۹-۹۸.
- افرایم اینبار، «خطوط برجسته تفکر استراتژیک نوین اسرائیل»، ترجمه میرسعید مهاجرانی، مجله سیاست دفاعی، شماره ۱۸.
- ۱۴- جهت مطالعه بیشتر دربارهٔ زمینه‌های چهارگانه نیاز اسرائیل به دشمن خارجی رک: جهانگیر کرمی، پیشین.
- استیون گرین، جانبداری روابط سری آمریکا و اسرائیل، سهیل روحانی، چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۶۸.
- عبدالوهاب، المسیری، صهیونیسم، لواء رودباری، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۴.
- محمود طلوعی، جنگ خلیج فارس و آینده خاورمیانه، تهران، ۱۳۷۰.
- روزه‌گارودی، تاریخ یک ارتداد (اسطوره‌های بنیانگذاری سیاست اسرائیل)، مجید شریف، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۵.
- 15- Clyde Haberman, op.cit.
- ۱۶- مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، مرداد و شهریور ۱۳۷۲.
- 17- David Hoffman, **Washington Post**, 13 March, 1993.
- 18- Ibid
- ۱۹- صهیونیستها تلاش برای حل اختلافات بین کشورهای آفریقایی همچون اوگاندا و سودان و انجام دادن اقدامات و پروژه‌های اقتصادی از جمله ساخت سد، پالایشگاه، راه، راه‌آهن، کارخانجات تولیدی و غیره در بسیاری از کشورهای فقیر و محروم آفریقایی را نیز بخشی از استراتژی صدور انقلاب می‌دانند.
- 20- Clyde Haberman, op.cit.
- ۲۱- خرید موشک‌های ضدکشتی، زیردریای‌های روسی کلاس کیلو، تقویت پایگاه‌های دریایی ایران در خلیج فارس و ... از مصادیق تقویت نیروی دریایی ایران می‌باشد.
- ۲۲- فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۴، صص ۲۷۶.

تهدیدهای نظامی، امنیتی اسرائیل علیه ج.ا.ایران □ ۱۹۳

۲۳- همان، ص ۲۷۰.

24- David Hoffman, op.cit.

۲۵- روزنامه اطلاعات، مورخ ۱۳۷۴/۹/۲۴.

۲۶- روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۴/۹/۲۳.

۲۷- تولید سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی تکنولوژی خاص خود را نیاز دارد و صرف دستیابی به دانش فنی تولید سلاح هسته‌ای به معنی توان تولید سلاحهای هسته‌ای تاکتیکی نمی‌باشد.

۲۸- ابراهیم متقی، پیشین، ص ۷۷.

۲۹- افراهیم اینبار، پیشین، ص ۵۹.

۳۰- همان. ص ۶۰.

۳۱- خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۶/۳/۱.

۳۲- همان.

۳۳- فصلنامه خاورمیانه، شماره بهار، ۱۳۷۴، ص ۲۷۶.

۳۴- مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ...، فروردین - اردیبهشت، ۱۳۷۴.

